

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرح نوتاش  
۰۴ اگست ۲۰۲۳

## دنیای مردانه زور و امپریالیسم

جبهه جهانی ضد امپریالیست- قدرت زنان- ۲۰۲۳.۰۵.۲۱

نامش جمهوری و برای ۴ سال است، ولی در اصل نوع جدید پادشاهی است. چون برخی از سران ممالک، قوانین کشور را با چنان طرفندی به نفع خود تغییر می دهند که مادام العمر ماندگار می شوند و حنا سعی در این است که این ریاست ها و رهبری ها، از پدرها به پسرها نیز منتقل شود!

بر حرص و آز دسته ای از مردان نهایی نیست.

تاریخ انسان، با تصویر، تندیس و نوشته، تجاوز و خشونت برخی از مردان را به مردان دیگر، زنان، کودکان، حیوانات، طبیعت و اجتماعات ثبت کرده است. قلدری و سلطه گری برخی از مردان از فروپاشی نظام مادرسالاری، اولین نظام بی طبقه اشتراکی- کمون اول، تا به امروز، پا به پای پیشرفت سلاح ها، بیشتر و بیشتر شده و مدنیت نتوانسته مانع رشدش شود.

با ساقط کردن نظام بی طبقه مادر سالاری، مردانی که از زور و قلدری بیشتری بر خوردار بودند با غارت غنایم و انباشت آن برای خود، در استثمار بقیه بی چیز، ویا غارت شده برآمدند و طبقات ستمگر و ستم دیده ایجاد شدند. آن دسته از مردان تا به امروز، با خوی مهاجم در حفظ فاصله های طبقاتی کوشیده اند. نئو لیبرالیسم آخرین سیستم سیاسی اقتصادی مردان غارتگر است که فاصله های طبقاتی را بیش از پیش کرده اند و نتوانسته اند، آن را تقریباً به اکثر ممالک جهان تحمیل کنند.

از نظام های قبیله ای و سپس برده داری تا به امروز امپریالیستی، مردان قلدر زور مدار و غارتگر، از مردان دیگر به عنوان برده، کارگر اجیر، سربازان اجباری در انواع نیروهای مسلح، برای حفظ منافع خود به هر نحوی که خواسته اند سوء استفاده کرده اند. بکار گیری حيله و فریب برای نفوذ، و تبدیل مردان به سربازان نیابتی به نفع برنامه های غارتگرانه خود، اهرم دیگر سلطه بوده و هست.

سلطه مردانه، با اعمال زور، تطمیع، یا با حيله و تزویر، در اشکال مذهبی، ناسیونالیستی و یا نژاد پرستانه، و گاهی ترکیبی از همه آن ها، و گاهی به عنوان آزادی خواهی در شکل انقلابات رنگی همچنان ادامه دارد. زورگویی، قلدری و خود خواهی از خصیصه های ذاتی مردان ولی، در اندازه های مختلف است. برخی از زنان نیز دارای چنین ویژگی هایی هستند، اگر چه عرصه بروز آن کمتر موجود است.

۱

خشونت، خود خواهی و سلطه جویی غربی در پسران، در مدارس ابتدایی کاملاً قابل رویت است. ضرب و شتم و تجاوز به پسران کوچکتر از همان دوران ابتدایی شروع می شود. لشکر کشی و دسته و باند سازی در غالب بازی، از دوران دبستان شروع می شود و رشد می کند و با طیف های متفاوت، بی مهار تا پایان عمر با آنان می ماند.

از طرفی دیگر، برخی از مردان برای دستیابی به قدرت، جذب هرم زور می شوند و هر قدر فرصت طلب تر و چاپلوس تر باشند، به راس هرم نزدیک تر می شوند. چاپلوسی بستر شناخته شده پرورش دیکتاتور ها است. این بستر در ایران بشدت فعال بوده و هست. ایجاد شبکه و سازمان خبر چین یا امنیت، برای حفظ حرم زور جایگاه ویژه ای دارد. اعمال زور و سلطه در مردان، همواره با هدف دستیابی به اشکال متفاوت قدرت است. استعمار گران برای ادامه سلطه و زور، شبکه وسیع فکری، مثل سی آی ای ایجاد می کنند. آزادی های دموکراتیک در دنیای مردانه دروغ بزرگ و فریبی بیش نیست.

نگاهی به دموکراسی در آمریکا ببینیم. آمریکا بی توجه به تظاهرات میلیون ها انسان در سراسر جهان، با بهانه ای خود ساخته ای در ۲۰۰۳ به عراق تجاوز کرد. بدون کمترین کیفری کشوری را ویران کرد، بیش از نیم ملیون نفر از مردم عراق را کشت و ملتی را به خاک سیاه نشاند و منابع آن را غارت کرد. ولی وقتی آمار و ارقام جنایت هایش در سایت ویکیلیکس درج شد، با وقاحت تمام و شاکای از افشای جنایاتش، به عنوان جاسوسی در امور مملکتی آمریکا، در تعقیب جولیان آسانژ بنیان گذار سایت ویکی لیکس برآمد. تجاوز را حق مسلم خود و افشای آن را جرم می داند! آمریکا برای جنایت عظیم اش در عراق نه غرامتی پرداخته و نه مجازات شده است. ولی خواهان استرداد جولیان آسانژ و مجازات او برای افشاء جنایت هایش است! این نمونه بارز دیکتاتوری مردانه امپریالیستی با نام مسخره احترام به حقوق بشر و دموکراسی است!

شاید برخی فکر کنند که در آمریکا، زن ها نیز در کار سیاست مشغولند و پدرسالارانه نیست. سیستم مرد سالارانه در جهان، هزاره ها است که جاری است. و آن زن ها در سیستم مرد سالارانه آمریکا که قرن هاست دائر شده، مجبور به ایفای نقشی هستند که به آن ها محول می شود.

حتا آراء مردم در آمریکا، تحت آراء کالج ها است. یعنی هسته مرکزی مرد سالار توسط کالج ها هر جور که بخواهد اعمال نفوذ کرده و نظرش را بر مردم تحمیل می کند. سیستم انتخاباتی آمریکا، همچون سیستم انتخاباتی رژیم ملا در ایران که همه چیز تحت اعمال نفوذ شورای نگهبان است، کلا فریبی بیش نیست. نمایشی است که فقط برای حفظ ظاهر اجرا می شود. مردم در آمریکا، همچون مردم در ایران، بطور کلی از حقی برخوردار نیستند. و در این سیستم مردسالاری اقلیت بسیار کمتر از ۱٪، برنامه همانطوریکه میل آنان است پیش می رود. زنان در این سیستم های مردسالار، انسان های تحقیر شده درجه دو، و مجریانی بیش نیستند.

**امپریالیسم، ادامه و رشد طبیعی ایجاد طبقات توسط مردها، بعد از فروپاشاندن نظام مادرسالاری توسط مردان، به نفع زورمدارترین اقلیت های مرد است.**

در انتخابات ۴۵ مین رئیس جمهوری آمریکا در ۲۰۱۷، خانم هیلاری کلینتون ۴ میلیون رای بیشتر از ترامپ کسب کرد. ولی سیستم کالج های اقلیت، ترامپ فاشیست را برای کارهای کثیف خود مناسب تر می دانست و او را رئیس جمهور کرد. در زمان او، ۸ سال قبل از آن نیز همینطور بود. در واقع جامعه مردسالار امپریالیستی جهان، در راس آن آمریکا، دارای قوانین زور مداری جنگل است. حقوق بشر و دستگاه های عریض و طویل در تمام زمینه ها، نمایشی از مدنیت است و کمترین نمادی از انسانیت در بطن آنان یافت نمی شود.

لنین در کتاب امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری از ایجاد انحصارات و صدور سرمایه به عنوان شاخص های این مرحله نام می برد. تحقیقات لنین ویژگی های مرحله امپریالیستی را عمیقاً بررسی کرده و استثمار بسیار شدیدتر را با صدور سرمایه بجای صدور کالا نشان داده است.

و امروز سوال ما این است که پشت این صدور سرمایه آیا کسی جز مردان و مغز متفکر اجیر شده توسط آنان بوده و هست؟

شاید برخی، زنانی چون مارگارت تاچر و انگلا مرکل را، بخش فعال امپریالیسم بدانند! ولی این زنان وارد سیستمی شده اند که توسط مردان پایه ریزی شده و موجود بوده و آنان در همان حد مجاز فعال بوده اند و نه بیشتر. و هر زن یا مردی که خواهان کار در این سیستم غارتگرانه باشد جز حرف شنوی کار دیگری نمی تواند بکند. چنانکه انگلا مرکل در رابطه با اوکراین، هر آنچه را که آمریکای استعمارگر اروپا، در مورد کمک رسانی به فاشیست های اوکراین به او دیکته می کرد، بی سرو صدا انجام می داد. و حتی قوانین بین المللی احترام به توافق نامه های صلح را نادیده می گرفت. ولی وقتی می توانست خارج از دستورات ارباب استعماری عمل کند، دست به عملی تحسین بر انگیز و مادرانه و انسانی زد، که از همانجا، مردم او را مادر خطاب کردند.

در جایی که دولت مردان امپریالیستی دیوار و سیم خاردار و کمپین های گوانتانامویی برای سد راه پناهجویان می ساختند و می سازند، انگلا مرکل با قبول بیش از ۲ میلیون آواره جنگی در یک نوبت، نفس بسیاری را در سینه ها حبس کرد. او با این حرکت پناه بی پناهان شد. این حرکت انگلا مرکل نمونه ای از ماهیت ذاتی زنان در حمایت از کل جامعه است. شاید برخی، دلایلی غیر از انسان دوستی مطرح کنند. خوب پس چرا با همان دلایل، مردان پناهنده ها را نمی پذیرند، و می گذارند تا در سرما پشت مرز ها یخ بزنند؟

مثالی دیگر؛ جف بزوز ثروتمندترین مرد جهان که با همسرش سالها پیش آمازون را تاسیس کردند. وقتی از هم جدا شدند، چیزی کمتر از یک پنجم ثروت، به همسر او، اسکات مکنزی رسید. ولی این زن نیمی از دارایی خود را به امور خیره بخشید.

زنان طبقه زحمتکش و قشر متوسط هم سرشار از ایثاراند. برای مثال: در زلزله ارمنستان کودکی با مکیدن انگشت مادرش بعد از ۴ روز، از زیر آوار زنده نجات یافت. این ایثار و فداکاری در اندازه های متفاوت در زنان بطور طبیعی وجود دارد. تعلیم و تربیت نیز سبب رشد آن شده و می شود.

سلطه و مالکیت از اهرم های ارضای خود خواهی در مردان است و این سلطه خود خواهانه در مردان، نیز بطور طبیعی در اندازه های متفاوت در وجود همه مردان موجود است، و قوانین صادره در جوامع مرد سالارانه آن را تشدید کرده است. و باعث شده جامعه انسانی تا به امروز به همین شکلی نفرت انگیز، با طبقات استثمارگر و استثمار شونده، معماری و حفظ شود. این شکل از طرف جوامع غربی پذیرفته شده و رهبری آمریکا در بسط و توسعه این کراهت به عنوان یک اصل پذیرفته شده است و در دانشکده های علوم سیاسی اروپا، اطاعت از رهبری آمریکا تدریس می شود.

طبق آمار چند سال پیش یونسکو، ۶۹٪ کار جهان را زنان انجام داده اند ولی ۱٪ از اموال دنیا به نام زنان است! در تحقیق مختصری که چند سال پیش در مدارس ابتدایی بخش مرکزی شهر تهران انجام دادم، نتیجه حیرت انگیز بود. حقوق تمام خانم معلم ها را به غیر از یک خانم معلم، شوهرانشان دریافت می کردند! و اگر خانه ای هم خریداری می شد، به نام مردان خانواده خریداری می شد!

بی دلیل نیست که آمار جدید ایران، زنان مسن، را فقیرترین مردمان ایران اعلان کرده است. و در هر خانه ای که زنی خواهان حقوق خود باشد، آن خانه تبدیل به جهنم می شود! این شرایط خانواده های متوسط به پایین است! وسائل زندگی

و ارتباطات هر روز مدرن تر می شوند. ولی خشونت، تجاوز و سلطه مردان هنوز بر همان پاشنه نفرت انگیز اولیه می چرخد.

## بخش ۲

ویژگی های متفاوت و متضاد طبقاتی، با ایجاد طبقات متفاوت در جوامع شکل گرفته اند. جالب این که به مجرد تغییر پایگاه طبقاتی، افراد ویژگی های طبقه جدید را از خود نشان می دهند. اردوغان زولیا فروش در کودکی، به مجرد دست یابی به قدرت، با توسل به هر حيله، از اریکه قدرت منفصل نمی شود! و چنان با چنگ و دندان از پایگاه خود با فاصله های طبقاتی حفاظت می کند که گویی ملک شخصی خودش است.

نگاه به غارتگران سپاه پاسداران بیاندازیم. همان بچه های جنوب شهر تهران، شوش، مولوی، میدان خراسان، با وصل شدن به اریکه قدرت، پایگاه طبقاتی خود را فراموش کرده و برای خدمت به ۱٪ غارتگر، در رانتخواری و انباشت سرمایه، گوی سبقت از همه ربودند.

حتا زمانی که مردان متفکر طبقه زحمتکش با انقلاب، حکومت مردم بر مردم سوسیالیستی را، در روسیه ایجاد کردند، امپریالیستهای آمریکا با همراهی امپریالیست های انگلیس و دیگر ممالک، سرنگونی آن را در راس برنامه های خود قرار داده اند. و با نیابتی کردن هیتلر، جنگ جهانی دوم را برای نابودی اتحاد جماهیر شوروی را پایه ریزی کردند. امپریالیست های قلدر پدرسالار، قادر به تحمل حاکمیت برابری خواه نبوده و نیستند. و با برنامه های نفوذ به درون نیروهای نیروهای چپ، به فلج کردن آن ها از درون می پردازند و مانع اتحاد آنان می شوند. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای آمریکا و بریتانیای کبیر، شدیداً برای برنامه نفوذ به درون نیروهای چپ جهان، سرمایه گذاری کرده و می کنند. انگلیس پرورش انواع تروتسکیست ها را عهده دار بوده و هست. و آمریکا از تزه های ضد روسی مائو در تمام برنامه های نفوذی خود بهره گرفته است. و با تزه های سوپر انقلابی، مائویست ها و نظریه پردازانی را، روانه دنیای چپ کرده است. اینان با سم پاشی علیه اتحاد جماهیر شوروی، در جهان قبل از فرو پاشی شوروی، زمانی که جهان دو قطبی بود، به جذب نیروهای جوان چپ، به فلج کردن نیروهای جوان چپ، در جهان پرداختند تا به امروز.

در مبارزه با حضور ارتش اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان، که با دعوت حزب حاکم افغانستان صورت گرفته بود، همچنانکه با دعوت بشار اسد بعد از ۲۰۱۱ روسیه به سوریه نیرو فرستاد، آمریکا، چین، ملایان ایران، و مائویست های افغانستان با راهنمایی حزب توفان ایران، همه در یک جبهه علیه شوروی می جنگیدند.

ولی امروز کسی با طالبان جنگ ندارد. لابد همه آنان طالبان را برای افغانستان مناسب تر و بر حق می دانند! حزب مائویست توفان در مقابل اتحاد جماهیر شوروی مثل تمام مائویستها موضع خصمانه داشت. و هنوز کلمه "سوسیال امپریالیست" را در مقالاتش بکار می برد. و امروز از اتحاد ملایان با روسیه و چین برای ایجاد جهان دو قطبی مشعوف است. و حال آنکه جهان آن موقع دو قطبی بود و حزب طوفان و همفکرانش در انهدام آن قطب دیگر در افغانستان در کنار چین مائویستی و آمریکا بودند!

آمریکای پدرسالار خواهان سلطه بر جهان، به عنوان یک کشور است. و چون هسته مرکزی این زور و قلدری، سفید پوست و چشم آبی است، در نتیجه برتری در تمام وجوه به نفع خود و نژاد و قبیله خود را در نظر گرفته و اجرا می کنند.

در فیلم های علمی تخیلی آمریکایی، همین گروه اقلیت را، با نیروهای مافوق تصور عجیب ( خدایی-خیالی )، در پادشاهی کهکشان لایتناهی نشان می دهند! بر این حرص اقلیت مردانه نهایی نیست.

چرا آنان از سوسیالیسم هراس دارند؟ چون کمونیست ها، علیه همه چیز برای اقلیت هستند. و همه چیز را برای همه می خواهد، چون معتقد به عدم استثمار انسان از انسان، و برابری زن و مرد، هستند. چون فرقی بین نژاد های متفاوت قائل نیستند. چون معتقد به خدمات رایگان مساوی برای همه هستند. یاد آوری یک نمونه: در اتحاد جماهیر شوروی، خدمات پزشکی رایگان برای همه بطور مساوی ارائه می شد. در برخی از کشور های اروپا بیمه همگانی، بعد از جنگ جهانی دوم شروع به راه اندازی شد. در آمریکا، اوپاما در حدود سال ۲۰۱۴، سیستم بیمه نیمه همگانی را با مخالفت بسیاری در حزب جمهوریخواهان شروع کرد. ولی وقتی، ترامپ رئیس جمهور شد، اولین کاری که تصمیم به انجام آن گرفت انهدام سیستم بیمه اوپاما بود!

بعد از سرنگونی "کمون پاریس" (اولین نظام سوسیالیستی) ۲۶ مارس - ۲۸ ماه مه ۱۸۷۱، مارکس در کتاب جنگ داخلی در فرانسه، بر لزوم "دیکتاتوری پرولتاریا" برای حفظ انقلابات سوسیالیستی تاکید کرد. دیکتاتوری پرولتاریا، عبارت است از کوبیدن مسلحانه ماشین تسلیحاتی و سیستم نظام سرمایه داری قبل، و حفظ مسلحانه نظام انقلابی، تحت تصمیم نمایندگان حامی زحمتکشان در مجلس، و هیات رهبری و دولت حامی کارگران. تجدید نظر در اصول سوسیالیسم، رویزونیسم یا تجدید نظر طلبی خوانده می شود.

مردان در دو دسته بزرگ خلاصه می شوند. مردانی که با انجام عمل خطا، خود را موظف به پوزش خواهی می دانند. و مردانی که عذر خواهی برایشان سخت، ننگ و کسر شأن است. و مثل فیل، پا گذاشتن روی هر چیز را برای مقاصد خود روا می دانند. مردانی که توانسته اند خود را ارتقاء داده و به ویژگی های انسانی برابری خواهی سوسیالیستی دست یابند، می دانند که باید در مقابل خطای خود پوزش بطلبند. و می دانند که باید در مقابل خطاهای خود، انتقاد از خود بکنند.

ولی در مردان حریص، خود خواه سرمایه دار اقلیت، و یا غیر سرمایه دار در صفوف مبارزین، با رسوبات کریه خود برتر بینی پدرسالارانه، پوزش در مقابل خطا و انتقاد از خود مطلقا دیده نمی شود. و آنان با اعمال نخراشیده همواره به ادامه کراهت در جامعه مشغولند.

**کمونیسم تربیت نوین افراد جامعه، به عنوان انسان طراز نوین را خواهان است. لنین یک انسان طراز نوین است. انسانی که منافع جمع را به منافع شخصی خود ترجیح داد. زلال و فروتن. او آسمانی نیست، یک مرد زمینی و انسان واقعی است.**

تعداد کثیری از مارکسیست ها، بخصوص مائوئیستها، معتقدند که رویزونیسم در اتحاد جماهیر شوروی از زمان نیکیتا خروشف شروع شده است. اسناد و قرائن نیز جز این را نمی گوید.

ولی آنچه که نادیده گرفته شده است، بستر ایجاد شده برای کج رویهای خروشچف بوده است. مگر نه این که شرایط سازنده انسان است؟ پس چطور در دامن سوسیالیسم رویزونیسم رشد کرده است؟

ستایش و احترام از استالین به لحاظ ساختن نظام سوسیالیستی و پیروزی در جنگ با فاشیسم هنوز ادامه دارد. از سویی دیگر، او حکومت جمع و اجرای قوانینی صادره توسط پارلمان حامی طبقه کارگران و دهقانان را، به دیکتاتوری فردی تقیل داده است، و این یک تجدید نظر اساسی در اصول

مارکسیسم لنینیسم است. اگر خدمات او به درستی، جهان را تغییر داده، ولی به موازات آن، خود نیز با تحمیل دیکتاتوری فردی، بستر رویزونیسم را پایه ریزی کرده، و راه سقوط نظامی را که خود معمار آن بوده، با زیر پا گذاشتن اصول مارکسیسم لنینیسم، هموار کرده است.

کمونیسیم یا برابری خواهی قبل از این که از اشکال سیاسی باشد، جزو فاخرترین فرهنگ های انسانی است. عشق و احترام به هم نوع است. برابر دانستن حق دیگران، به اندازه حق خود است. عقب کشیدن محترمانه و ابتدا راه را به دیگری دادن است.

درک آن نیاز به فرهنگ و شعور و احساس انسانی دارد. نیاز به محترم شمردن مرزها دارد. صحبت از عشق محض به انسان و جامعه است. صحبت از فاصله از قانون جنگل، تمدن و ارتقاء انسان است. صحبت از صلح محض، صحبت از احترام و لطافت روابط انسانی است. برابری خواهی آرزوی دیرینه انسان است. هزاره ها بعد از فرو پاشی نظام مادر سالاری بدست مردانی در مصر، باستان، (مستند در ویلدورانت) شهری با خانه هایی هم اندازه، اتاق های برابر، درخت های برابر و حتا ظروف برابر به نام شهر افق ساخته شد. طولی نکشید که آن شهر در تجاوز قدرت طلبانی بزودی ویران شد. ولی آرزوی برابری خواهی، تا امروز، همچنان با انسان بوده است. مارکس با کشف قوانین استثمار انسان از انسان، با دقت به تدوین اصول ایجاد نظام سوسیالیستی پرداخته و آنرا در اختیار همه گان قرار داده اند.

### بخش ۳

تاثیر انقلاب روسیه، در حصار مرزهای روسیه نماند، آن انقلاب به رهایی نیمی از جهان تحت استعمار امپریالیست ها انجامید. انقلاب ضد استعماری هند، انقلاب چین، انقلاب کره، جنبش ضد استعماری ایران، تمام انقلابات ضد استعماری آفریقا، انقلاب کوبا، و... همه با تکیه بر وجود انقلاب اکتبر بوجود آمده اند و ادامه حیات داده اند. انقلاب روسیه فقط متعلق به روسیه نبوده، انقلابی برای تمام جهان بوده است. زخم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در قلب مردم جهان، زخمی نیست که بهبود یابد. و احترام به مردم روسیه به دلیل ایجاد چنین انقلابی هنوز بر جا است.

شاید ما فشار همه جانبه امپریالیست ها برای سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی را بستر واقعی دیکتاتوری فردی استالین ارزیابی کنیم، (شاید انگیزه مارکس به طرح اروپای سوسیالیستی، تصور

همین فشار بوده). و اگر رهبران احزاب اروپایی به پیروی از کائوتسکی در جنگ اول جهانی به لنین خیانت نمی کردند، و روسیه به تنهایی مجبور به انقلاب نمی شد، طبیعتن این فشار بیرونی از طرف امپریالیست ها، علیه روسیه ایجاد نمی شد.

شاید ما عشق وافر استالین در حفظ سوسیالیسم نو پا را، بستر دیکتاتوری فردی او ارزیابی کنیم، شاید ما عدم اعتماد او را به دیگران، علت این دیکتاتوری فردی بدانیم،

شاید شرایط رشد اجتماعی روسیه را هنوز نارس برای انقلاب ارزیابی کنیم،

و شاید هم علت اصلی را شخصیت فردی استالین ارزیابی کنیم،

به هر حال یافتن علت تغییری در نتیجه نخواهد داد، چون انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، در سال ۱۹۹۱ فرو ریخته است، فقط به موفقیت فردا می تواند کمک بکند.

بعد از مرگ استالین و مائو، در مبارزه علیه کیش شخصیت، تصاویر و تندیس های آنان از دید عموم خارج شدند. و این سرآغاز مبارزه علیه فردگرایی آنان بود.

این قلم در چندین مقاله، از میکائیل گورباچف به عنوان خائن ترین مرد تاریخ نام برده است. چون او اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را، که برای حفظش ۳۲ میلیون نفر فدا شده بودند، فرو پاشانده است.

سال گذشته بعد از حمله روسیه به اوکراین، گورباچف نیز با امراضی ناشناخته در ۹۱ سالگی فوت کرد. شرح زندگی او به مناسبت مرگش منتشر شد. او به صراحت اعلان کرده بود، که برای سر نگون کردن سیستم سوسیالیستی وارد حزب کمونیست روسیه شده است. و با همفکری دختر دانشجویی در دانشکده حقوق، که بعد ها، با او ازدواج کرد، برای ساقط کردن نظام سوسیالیستی، تا به عالی ترین مناصب حزبی دست یافته است. و سپس ضربه نهایی را زده است.

آغاز راه او، با روی کار آمدن نیکیتا خروشف همراه است. و خروشف به تجدید نظر طلبی در اصول مارکسیسم لنینیسم و پی نهادن دیوار کج شناخته شده است. و مدارک نیز همین را می گوید.

ولی کدام بستر اجتماعی راه را برای ارتقاء خروشچف، باز کرده و چرا؟ آیا مبارزه با کیش شخصیت، برجسته ترین برنامه او برای ارتقاء نبود؟ پس این کیش و بت سازی، موجود بود که او در مبارزه با آن شانس ارتقاء یافت.

اگر چه امروز حزب کمونیست فدراسیون روسیه با احترام از استالین و خدمات او، یاد می کند و مائوئیست های شرمگین، با چاپ عکس استالین و حذف عکس مائو، از استالین همچون فاتح راستین شاهراه سوسیالیسم دفاع می کنند و پیروزی بر فاشیسم توسط روسیه در جنگ دوم جهانی همچنان سینه ها را مملو از عشق و احترام به روسیه تحت رهبری استالین می کند، ولی برآستی آب از سر چشمه چه گونه گل آلود شد؟ چه عواملی باعث شده تا فردی مثل خروشف به قدرت برسد؟

### **فاتح جنگ استالین است. و دو فاجعه عظیم نیز از شاخص های دوران استالین است.**

تعداد کشته شدگان روسیه در جنگ، ۲۷ تا ۳۲ میلیون برآورد شده است، در جایی که فاشیست ها فقط ۶ میلیون کشته داده اند. تسلیحات آلمان مدرن تر بود. استالین به ژنرال های ارتشی که تروتسکی ایجاد کرده بود اعتماد نمی کرده و تصمیماتی را که آنان می گرفتند به راحتی نمی پذیرفت، و گاهی دستوراتی صادر می کرده که به مرگ جمعی سربازان می انجامیده است.

در اعمال دیکتاتوری فردی، بخشی نیز مربوط می شده به کشتار مردم بدون دادگاه. غم فروپاشی کمون پاریس فراموش شدنی نیست. و امروز که دیگر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وجود ندارد. غم فروپاشی آن نیز هرگز.

در وصیت نامه لنین به وضوح آمده است: استالین و تروتسکی هیچ کدام نباید رهبری را به دست گیرند. استالین خود خواه است. و تروتسکی نا استوار است. پولیت بورو (هیأت سیاسی) باید بطور جمعی رهبریت جامعه را بعهده گیرد.

و این وصیت نامه لنین که نماد واقعی مارکسیسم است اجرا نشد! برخی معتقدند که وصیت نامه لنین قبل از مرگ استالین رو نمایی نشده است.

**چرا رهبری جمعی بجای رهبری فردی اجرا نشد؟ این، آن مهمی است که هر معتقد به سوسیالیسم باید از خود بپرسد. راه سوسیالیسم راه کلکتیویسم است. هر نوع فرد گرایی، مخرب این راه می شود.**

دیکتاتوری پرولتاریا، مطلقا بدان معنا نیست که دیکتاتوری حامی کارگران، بر جامعه حکم براند. دیکتاتوری فردی، باز نگری جدی در این اصل مهم و در واقع همان تجدیدنظر در اصول است که به آن رویونیسم می گویند. و این که استالین هرگز به ملت خیانت مالی نکرد و چیزی برای خود نیاندوخته است، تحسین برانگیز است. ولی افاقه نمی کند. چون امروز دیگر اثری از اتحاد جماهیر شوروی نیست.

حق کشی، بی انصافی، نادیده گرفتن خدمات هر فرد در خدمت جامعه، و قضاوت های سطحی بسیار زشت و ضد انسانی است. و جز از بیراهه و نتیجه غلط، ثمری ندارد.

ولی بت کردن یک فرد با ضعف های جدی، نیز مضرات وحشتناک به دنبال دارد. به غیر از جعل واقعیت ها، الگو کردن فردی با خود خواهی مهار نشده، رشد غیر اصولی شخصیت پیروان سوسیالیسم را در پی دارد.

امروز از تولد و حیات سوسیالیسمی که جهان را تغییر داد و امید و پناه جهان سوم بود، جز بار حسرت از دست دادن آن نمانده است. از این رو مبارزه علیه تمام علل فرو پاشی آن، یک باید است.

گورباچف بعدها، بعد از دیدن خصوصی سازی قلدرانه اموال اتحاد جماهیر شوروی، توسط عده ای قلیلی از مردان قلدر، بیدار شد. و از خود انتقاد کرد و گفت می بایست بجای ویران کردن نظام سوسیالیستی، آن را اصلاح می کرده است. ولی ... مردم روسیه دیگر با او آشتی نکردند و در انتخاباتی که برای ریاست جمهوری شرکت کرد، فقط ۰۵٪ آراء متعلق به او بود. بیماری ناشناخته ای که او را کشت، به گمانم تنهایی در ظلمات نفرت مردم بود. او دست آورد مبارزاتی ملتی و امید جهانی را بر باد داده بود.

مردانی که به گورباچف و یلتسین نزدیک بودند، با حرص و ولع بی حصار و قلدری، اموال ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را به نفع خود تصاحب کردند، فروختند و پولها را برای دورکردن از دسترس صاحبان آن، مردم روسیه و اتحاد جماهیر شوروی، سریع از روسیه خارج کردند و به حساب شخصی خود در بانک های غرب واریز کردند. و الیگارش (حاکمیت اقلیت) را تشکیل دادند. و دوباره طبقات را ایجاد کردند.

درست مثل ایران. مردم برای استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی در ۱۳۵۷ انقلاب کردند. بعد از سوار شدن ملایان بر اریکه قدرت، و مصادره اموال باقی مانده از به گفته خودشان طاغوت، رفسنجانی گفت: حالا باید یک طبقه اشراف ایجاد کنیم. تاراج اموال ملی و تقسیم آنان بین ملایان و پاسداران شروع شد. و آنان نیز مثل الیگارش های روس، انتقال ثروت ایرانیان به حساب های خود و فرزندانشان در بانک های غرب را شروع کردند و این انتقال همچنان ادامه دارد. تا روزی که غرب همه را به نفع خود مصادره کند. نه تنها عدالتی در ایران برقرار نشد، بلکه ملت متوجه کلاه گشادی که بر سرش رفته بود، شدند. این بود تقیه در شیعه. دروغ به دشمن! ما کوخ نشینان را به کاخ نشینان ترجیح می دهیم!

با ورود ارتش روسیه به اوکراین، تمام حساب های بانکی الیگارش های غارتگر روس، توسط دولت های غربی مسدود شد. و معمولا حساب های مسدود شده مصادره می شود. بخصوص که مخارج جنگ اوکراین را هم غرب می پردازد. داستان قلدری و زور گویی مردان در جهان، نهایت ندارد.

بعد از یلتسین، پوتین جامعه را به سوی ناسیونالیسم سوق داد. و کلیساها دوباره راه اندازی شدند! و امروز بالاترین تلاش بخش متحد روس و چین، مهار آمریکا و ایجاد جهانی چند قطبی است.

درست است، جهان باید جمعی اداره شود. و آمریکای زور گو نباید قادر باشد هر کشوری را نتوانست زیر یوغ خود درآورد، تحریم و ملل را به فقر خانمان سوز دچار کند. و اصولا این قلدری آمریکا نیاز به مهار جمعی دارد.

ولی جهان چند قطبی وقتی ایجاد می شود که چون گذشته قطب های متفاوت ایدئولوژی بر جهان حاکم باشد. والا زندگی طبقه کارگران جهان در گرو نسیه گردانندگان همه سرمایه دار، در فقر و فلاکت غرق خواهد شد.

از جنگ جهانی دوم، مهار آمریکا، یک آرزو بوداست. و برآورده شدن آن اولین گام رهایی می تواند محسوب شود. و فرو پاشی کل آن رهایی انسان از هیولای امپریالیسم آمریکا.

روسیه و چین در مبارزه علیه آمریکا، و برای اداره جمعی جهان، از ملایان ایران نیز به عنوان متحدی نامشروط استفاده می کنند. و ملایان راه نجات خود را در پی قیام های مردم به جان آمده ایران، در این اتحاد می جویند.



ملایان در این برهه حساس نه تنها برای درک این گام جمعی، شعوری از خود نشان نمی دهند، بلکه در ایجاد بلوا و توحش در پناه این اتحاد، واقعا مردم ایران را جان بر لب کرده اند. در ایران، طالبان را الگوی خود قرار می دهند. زدنی ها و جنایت هایشان علیه ملت ایران آنان را در رده فاسدترین حاکمیت های تاریخ جهان و در خدمت تنگاتنگ امپریالیستها قرار داده است. و در تحمیل حجاب پوشالی بر سر زنان، دست از اعدام مردم بر نمی دارند. در جایی که خودشان شهر مشهد را فاحشه خانه رسمی خاور میانه کرده اند و با دائر کردن صیغه سراها و فروش دختران بالاتر از ۱۲ سال و باکره، در پارو کردن دلارهای زوارین هستند. و پرستوهایشان (زنان اسیر در چنگ آنان) با بکینی در سطح شهر تهران، در فضای مجازی جهان در چرخش است. اسارت این زنان جوان به عنوان پرستو در دست این باند جنایتکار، واقعا از دردناک ترین بخش های تزویر این حکومت استعماری برای ملت است. ملایان زنان پرستو را لخت کرده و به نام معترض می خوانند به جامعه غالب می کنند.

#### بخش ۴

اتحاد روسیه و چین با ایران، برای ایجاد جهان چند قطبی، مثل ساختن عمارتی نو، با آجرهای فرسوده و کهنه آبریزگاه عمومی است.

این اتحاد آنگاه ارزشمند می بود که، روسیه و چین با حمایت از ملت ایران، بطور مشروط با رژیم ملا همکاری را شروع می کردند. و از رنج های ملت ایران می کاستند. وقتیکه چین و روسیه، بی اعتنا به رنج بی پایان مردم ایران، قرار دادهای بلند مدت، با شرط عدم اطلاع ملت ایران، با رژیم ملا می بندند، نمی توانند در آینده روی دوستی ملت ایران حساب باز کنند.

نه، هرگز ... هدف وسیله را توجیه نمی کند.

رژیم ملا پایه و اساس فساد است و در حال جهانی کردن فساد به نام اشاعه شیعه (استعماری) است.

متحد دیگر جهان چند قطبی، با محور مقاومت، اردوغان هزار چهره است.

شعار انتخاباتی او در نفی همجنس گرایان : خانواده برای ما خیلی مهم است، چهره حریص او را برای کسب آراء کریه تر می کند. خوب است که همه می دانند که در خانواده های مصلحتی ترکیه، اغلب پدر داماد بجای داماد به حجله می رود. تا خانواده های محترم ترکیه همچنان محتم بمانند! او نیز یکی دیگر از متحدین از بن فاسد چین و روسیه در این قطب تازه است.

خشک سالی و ریز گرده های خوزستان، به دلیل بستن آب فرات توسط اردوغان، برای ایجاد دریاچه تفریحی "دوری سو". برای او اهمیت نداشت که وقتی جریان رودخانه های دجله و فرات را با نادیده گرفتن قوانین بین المللی برای ایجاد سد تفریحی متوقف می کند، با افت سطح آب و ایجاد خشک سالی در منطقه بین النهرین، باعث فلاکت مردم می شود. فرار مردم مظلوم خوزستان، رها کردن دارو ندارشان، و ساکن شدنشان در حلبی آبادهای حومه تهران، داغ تازه ای نیست.

و همکاری اردوغان و پسرانش با گروه های اسلامیست در غارت نفت سوریه از یاد ها نرفته است. بعلاوه هزاران لکه سیاه در کارنامه اردوغان!

ولی امروز برای ایجاد قطب جدید، باید در آستان ۴۰۰۰۰۰ مسجد ترکیه زانو زد، و دعا کرد تا، در این انتخابات، ضربدر زیر نام اردوغان در لیست انتخاباتی از قلم مردم ترکیه نیفتد! این است روزنه امید با چراغ فتیله ای روغن سوز! و ما، که در انتظار طلوع خورشید.

اردوغان بیش از ۳۰ سال که بر اریکه قدرت ترکیه سوار است و هنوز نمی خواهد پایین بیاید. و هر گاه قدرت در یک نقطه متمرکز شود، مثل آب راکد می گندد. و هر نوع بت سازی و بت پرستی پایه فساد و تباهی است. چون بت پرستی فقط ایجاد بت نیست، که حقارت پرستندگان بت و گسترش بستر حقارت آمیز دیکتاتور پروری را نیز همراه دارد. مارکسیسم لنینیسم راه مبارزه طبقه کارگر را پیش روی تمام هواداران سوسیالیسم قرار می دهند، ولی صحبتی از زدودن خود خواهی در فرد فرد انسان ها و بخصوص در اکثر مردان نمی کند. اگر چه خود ایدئولوژی درک این چنین رفتاری را در افراد انتظار دارد.

## بخش ۵

گر چه زور گویی و خشونت در پسران، در مدارس پسرانه به وضوح دیده می شود. در مدارس دختران داستان به هیچ وجه چنین نیست. درگیری دختران بصورت قهر است. و حال آنکه درگیری پسران بزن بزن و لشکر کشی و همه نوع خشونت و تحقیر و توهین و ضایع کردن کودکان ضعیف تر به بیرحمانه ترین شکلی را در بر می گیرد.

این رفتار غریزی از دبستان تا به عرصه های بالاتر زندگی گسترش می یابد، تا به خود امپریالیسم می رسد. این منش زور و قلدری مردانه که از زمان فرو پاشاندن نظام مادر سالاری "کمون اولیه" تا به امروز، با گذشت هزاره ها، توانسته خود را تحت نام های مختلف برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری و امپریالیسم، تا به امروز برساند و جوامع را همچنان طبقاتی و غرق در بدبختی نگه دارد، تا به حال میلیون ها مرد معترض به این نظام طبقاتی را در سیاهچاله های خود پوسانده است. و توانسته جامعه انسانی را تحت قانون زور و قلدری جنگل نگه دارد. توده های مردم جهان، در رنج زائیده شده اند، در رنج زیسته اند و در رنج مرده اند. این بوده نتیجه زندگانی طبقاتی. و غارتگران در این نظام های مرد سالارانه انگلی، بر خون ستمدیدگان کاخ می سازند و برخورداری از تمام ثروت ملی را با تکیه بر نیروهای مسلح، حق مسلم قلدری خود می دانند.

هر آنچه که به دست اکثر مردان داده می شود، برای برداشت بیشترین به نفع خود، آن را ویران می کنند. پس باید برای این هیولای خود خواه و سلطه جو در تن و جان مردان چاره ای اساسی اندیشید. و برای مهار آن و ممانعت از رشد بستر و باروری آن چاره ای اندیشید.

مهار خود خواهی اولین گام بسوی زدودن نظام مردسالاری است.

در عرصه جهانی مردان بسیاری خود را مدافع سوسیالیسم معرفی می کنند، ولی در حیطه کوچک و یا بزرگ خود، دیکتاتوری فردی را همچنان تحمل می کنند. اگر چه این جزیی و بی اهمیت می نماید، ولی در واقع اهرم تخریبی قوی دارد و یکی از موانع اتحاد و تشریک مساعی نیروهای چپ امروز در جهان است.

مردان کشورهای صنعتی، به مراتب بیشتر، برابری زنان و مردان را درک و اجرا می کنند. و حال آنکه اکثر مردانی که از جوامع جهان سومی عقب مانده می آیند، خشونت و منیت بدوی در رفتارشان نسبت به همکاران زن و حتا مرد در فعالیت های سیاسی و روز مره دیده می شود. و این خشونت رفتاری و کلامی مهار نشده به عدم رشد عرصه های سیاسی می انجامد و ترمز رشد کشورهای جهان جنوب، یا جهان سومی است.

مشکل تاریخی جوامع انسانی خود خواهی در سطوح مختلف در مردان و ایجاد زور مداری و قلدری توسط اقلیتی از آنان در تمام عرصه های زندگی منجمله سیاست جهان است.

امپریالیسم چیزی جز اوج مرد سالاری نیست. امپریالیسم اوج رشد بی مانع سلطه خشونت و زورگویی مردانه در جهان است.

مردان بودند که با زور مداری، دوطبقه روبروی هم ایجاد کرده اند.

مردان بودند که برای تحمیل بی چون و چرای نظراتشان، خود را بصورت فرستاده خدا به جامعه انسانی تحمیل می کردند. ۱۲۴۰۰۰ پیامبر برای تحمیل تمام نظرات بی چون و چرای خود به مردم، به عنوان پیامبر رسماً اعلام موجودیت کرده اند. اگر چه محمد ابن عبدالله خود را آخرین پیامبر خواند، ولی ادیان بسیاری بعد از او همچنان توسط مردان ساخته شدند.

آیا تا به حال زنی از زنان، نیاز به پیامبر شدن داشته است؟ نه. چون زنان مثل مردان سلطه جو نیستند و نیازی به تحمیل تمام نظریات خود به دیگران ندارند، تا آن را به صورت آیه هایی خدایی به مردم تحمیل کنند.

یکی از نویسندگان سوریه: عایشه می گفت هر وقت پیامبر، سلمان فارسی را می دید، شب دهانش کف می آورد و آیه ای بر او نازل می شد. (سلمان گات های شعر گونه زرتشت را به عربی برای محمد ابن عبدالله می خواند، که در آیه ها، بر مردم خوانده می شده) و گفته که مردانی بعد از محمد، با آوردن کف بر دهانشان ادعای پیامبری کردند، محمد ابن عبدالله، تمام آنان را به قتل رساند. چون خود را خاتم الانبیاء معرفی کرده بود.

مذاهب در حمایت وسیع ستمدیگان بوجود آمدند. ولی هیچ کدام حامی جامعه بی طبقه نبودند و از همان آغاز غارتگران سریع به ادیان پیوسته و غارت خود را زیر پرچم مذاهب ادامه داده اند.

امروز هم مذاهب وسیله ای برای به صلابه کشیدن ملل و محرومان هستند. و امپریالیست ها برای استعمار و تحمیل توده ها و استثمار شدید ملل از آن ها سوء استفاده می کنند.

## بخش ۶

مردان بودند و هستند که با ایجاد گروه های مخوف جاسوسی و ترور برای به اسارت کشیدن جوامع انسانی اقدام کرده و می کنند. و برای حفظ موقعیت خود لشکر و انواع نیروهای مسلح ایجاد کرده و می کنند. این نیروهای مسلح برای دفاع از مردمی نیستند که درون مرزها زندگی می کنند. این نیروهای مسلح، برای دفاع از منافع آن مردان خود خواهی هستند که خود را بر مردم تحمیل کرده اند. مردانی که تمام اموال جامعه را با تعداد کمی از هم دستان خود غصب کرده و با تکیه بر نیروهای مسلحی که به راه انداخته اند خواهان استمرار سلطه خود و سپس انتقال آن به ورثه خود بوده و هستند. هر آنچه را که تحمیلش بر جامعه دشوار است، به عنوان دستور دین و خدا توسط آیت اله ها و کشیشان و خاخام ها و.... به جوامع تحمیل می کنند چارلز سوم پادشاه تازه بریتانیای کبیر، تاجش را توسط کلیسا بر سر گذاشت. او با این عمل گفت، که با تکیه بر تزویر و ریا پادشاه می شود.

ادیان از دیر باز وسیله بهره برداری جنسی از زنان و کودکان بوده اند.

در تطبیق اطلاعات علم الهدی در مورد صیغه سراهای مشهد، با رسوم معابد مذهبی ۳۵۰۰ سال پیش در سوریه، که در خاطرات سینو هه آمده است، تغییری ایجاد نشده. هر دو به دنبال سود حاصله مالی از پرده بکارت دختر بچه ها، با ریا و تزویر به نفع مردان انگلی که کار نمی کنند و مفت می خورند هستند و با راه اندازی فحشاء به نام دین و خدا، به شکل انگل به جوامع چسبیده و ارتزاق می کنند.

و برای ظاهر سازی و فریب، خواهان حجاب اجباری بر جامعه هستند.

موضع ملایان بر مردها را در مساجد و تکیه ها در فضای مجازی همه دیده و شنیده اند، که می گویند: بعد از سن هفت سالگی می شود دست به سرو گوش پسر بچه ها کشید! و مردان می خندند!

دست به سرگوششان کشیدن، یعنی به آنان تجاوز کردن.

داستان سعید طوسی و حمام منصوری در مشهد و سید علی خامنه ای چیست؟!

و شکایت اولیاء کودکان تجاوز شده در حمام توسط سعید طوسی چگونه به هیچ جا نرسیده است؟!

سوء استفاده جنسی از کودکان شیر خواره چگونه به مردان نیز توصیه شده است؟

محمد بیجی (از باند دزدان اعضاء بدن) جوانی که در ۲۴ سالگی به علت فریب و تجاوز و قتل ۲۲ کودک در حومه کرج، توسط رژیم ملاء عام بدار آویخته شد. او مادر خود را در کودکی از دست داده بود. او در دادگاه گفت که مردانی در کودکی به او تجاوز می کردند. و او از آنان شکایت به پدرش می برده و پدرش بجای حمایت از او، نیز به او تجاوز می کرده است!

در زلزله بم، چادرهایی را بین مردانی باقی مانده از اقوام کشته شده، با ۷-۸ کودک یتیم فامیل تقسیم کردند. نامه هایی که این کودکان به روانشناس مسئول چادرها در بم نوشتند، باعث خودکشیان روانشناس شد. این مردان در آن جهنم زیر و رو شده مرگ و نیستی بم، می توانستند با فراغ بال، هر شب به یکی از این کودکان بی پناه تجاوز کنند. غریزه، ول و بی مهار در مردان بی مخ نفرت انگیز است. و در ادیان نه تنها هیچ منعی و راهبردی برای جمع کردن این بساط مضمنز کننده نیامده است. بلکه تکیه بر این غریزه بی مهار منبع سوء استفاده مالی نیز شده است. در اطلاعیه صیغه سرهای علم الهدی تذکر می دهد که چقدر صیغه شدن دختران ۱۲ تا ۲۵ ساله برای این زواری که بدون زن هایشان برای زیارت آمده اند ثواب دارد!

در بین النهرین، هزاره ها قبل از اسلام، بت سکس و باروری پرستش می شده است. لذا این دیدگاه تأثیر بسزایی بر اسلام داشته، و برای جذب مردان به اسلام، بهشت با حوریانی که مدام باکره می شوند، با پستان هایی چون انار، و سکس بی پایان وعده داده شده است!

در جایی که در تفکر میترانیسم از شش هزار سال پیش در ایران، مهار سکس و کلیه خواهش های نفسانی به صورت گاوی است که میترای بر آن سوار، در رلیف های محراب ها ثبت شده است. و در محراب های اروپای جنوبی هنوز باقی است.

گاو بازی اسپانیا، متأثر از همان مبارزه با نفس است که میترای انسان ها را به مهار آن راهنمایی می کنند. و آنچه که در انواع یوگاهای هندی، بر گرفته از میترانیسم، و مهار سکس مطرح است، کاملاً متضاد از ترویج سکس بی مهار اسلامی است. اگر دقت در امور جنسی ملل شود، مللی که خود را مشغول امور جنسی کرده اند، از دستاورد های فکری و اختراعات و مباحث رشد و توسعه جوامع همواره بی بهره مانده اند. حیرت انگیز است که بزرگترین خریدار ویاگرا در جهان، عربستان سعودی است!

التهاب جنسی که ملایان در اشاعه آن در توسعه صیغه سرا ها پرپر می زنند، با اهداف اخذ دلار از زوار خارجی و مشغول کردن مردم، و غافل ماندن از فجایع و غارت خزانه ملی ایران توسط ملایان است. غریزه جنسی از غرایز ثانویه بوده و مردان متفکر هرگز اسیر آن نبوده اند.

نمونه بارز آن مردان زندانی سیاسی افسران حزب توده ایران که از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ در زندان های پهلوی و ۱۲ سال در زندان ملایان بوده اند و هیچ رفتار خلافی از آنان دیده نشده است. و حال آنکه برای ابدی های زندان عادی، پنجشنبه شب ها، بردن پسران از زندان تادیبی مرسوم بوده و بعد در مانگاه زندان و بخیه.

در کلیساهای کاتولیک، تجاوز به پسر بچه های سرود خوان از قدیم تا به امروز رایج بوده است!

۴۰۰ هزار فیلم پورنوی کودکان، فقط کشف از یک کلیسا کاتولیک در اروپا، چندین سال پیش بود.

ابعاد زور و قلدری تجاوز در مردان واقعا وحشناک است.

مرد سالاری، به معنی انباشت سرمایه در یکسو، تحت حفاظت نیروهای مسلح غارتگران، و کشتار، غارت، استثمار و بردگی دیگر سو، چیز دیگر نیست. مرد سالاری در سرکوب تعالی انسانیت، با گذشت زمان بر فشار خود می افزاید. بطوریکه در نئولیبرالیسم، دیگر چیزی برای طرف غارت شده نمی ماند! نصب چپ در مغز و بدن انسان ها برای کنترل آنان از راه دور و برده سازی، از سال ها پیش، طرح پیش روی غارتگران است.

از این رو مبارزه جدی و همه جانبه برای توقف سلطه و زور مداری مردان غارتگر در جهان، و اسارت بقیه مردان، زنان، کودکان، حیوانات و تخریب محیط زیست توسط سلطه گران، از مهمترین گام های حیاتی هر انسان علاقمند به آزادی از بردگی است.

با پوزش از تمامی مردانی که خود نیز در تهاجم مردان سلطه گر بوده و هستند. امروز به ناچار مبحثی که همواره در سایه مانده بود به زیر نور افکن برده شده است. هدف تضييع مردان نبوده است، بلکه یافتن راهی برای رهایی از این اسارت در دایره بسته است. اگر به ریشه اصلی مشکلات بی توجهی شود، هرگز تغییری اساسی رخ نخواهد داد. بدون شک مبارزات طبقاتی، بدون مهار خود خواهی های فردی، بخصوص در مردان، هرگز به ثمر نرسیده و نخواهد رسید.

این خود خواهی غریزی بی حصار، درهمه، بخصوص در مردان، نیاز به مهارشدن جدی دارد. ولی در دیگر سو، در جایی که مردان موظف به آموزش فنون رزمی و آموزش انواع کشتارهای فردی و جمعی با ابزار و وسایل بیشماری می شوند، و باید برای دفاع از موقعیت و منافع مردان زیاده خواه حریص آماده به جنگ بشوند و حتا جان خود را از دست بدهند، قوانین مردسالارانه، زنان را به عنوان کنیزانی در اختیار همین مردان قرار می دهد. نه تنها طلاق خلعی در ایران سند بارز بی حقی مطلق زنان در ایران است، بلکه تمام قوانین ضد زن در ایران و اکثر ممالک جهان خالی از هر گونه نگاه انسانی به زنان می باشد.

از طرفی دیگر، رسانه های آموزشی سلطه گران، زنان را به مسیر بزمی شدن سوق می دهند. و برای بیدارکردن غرایز جنسی در مردان از آنان به عنوان اهرمی سوء استفاده می کنند. از این رو محیط آموزش و پرورشی که آنان ایجاد می کنند، محیط ضد انسانی سوء استفاده از زنان به عنوان برده های جنسی است.

وقتی طالبان می گوید زنان لازم نیست درس بخوانند. کار آن ها بچه آوری است، دقیقا دارد اصل رایج غاصبان و سلطه گران جهانی را به زبان می آورد. چون زنان در دنیای غاصبان غنایم و سرمایه، از سقوط نظام مادر سالاری، از اسرای جنسی بوده و انسان های درجه دوم به حساب می آیند. و مردان آنان را وسائلی برای رفع حوائج جنسی فردی خود می پندارند. قرآن آیه نساء « زنان کشتزار شما هستند».

در کتابهای دینی طرف صحبت مردانند. و زنان ابزاری برای عیش مردان بیش شمرده نمی شوند.

از این رو پیشتازی زنان برای جدایی مطلق دین از سیاست از وظایف اولیه زنان در دستیابی به حقوق انسانی برپاد رفته خود است.

زنان همچنانکه در دوران مادر سالاری "اولین جامعه اشتراکی"، در کنار اداره جامعه و مادری، به کشف کشاورزی، رام کردن حیوانات، دارو سازی از گیاهان و پزشکی و... مشغول بوده اند، بطور طبیعی با عشق به فرزند، و عدم تبعیض بین فرزندان، خود، به نوعی برابری خواهی ذاتی مجهزند. و بطور طبیعی و ذاتی خواهان صلح و امنیت در ایجاد فضای امن برای رشد و سلامت فرزندان خود هستند. حضور جدی آنان برای مهار خود خواهی غریزی مردان،

اولین اصل در ایجاد سوسیالیسم است. سوسیالیسم بدون زنان هرگز امکان پذیر نیست. و برابری زنان فقط در سوسیالیسم میسر است.

مردان در تاریخ نشان داده اند، که عالی ترین نوع اندیشه و تفکر را نیز با خود خواهی به تباهی می کشانند. زنان با اهرم های ذاتی خود، حمایت، ایثار و مبارزه با خود خواهی و سلطه گری، با عزم جدی به میدان آمده، و با فرا گیری اصول سوسیالیسم، نجات خانواده واحد انسانی بر کره زمین را شروع کنند.

تمام احزاب از راست تا چپ توسط مردان راه اندازی و اداره می شوند. امروز برابری لازم است که زنان تمام سازمان های دفاع از حقوق زنان را، به احزاب دفاع از حقوق برابر انسان ها، و ایجاد جوامع سوسیالیستی تغییر دهند. چون حقوق انسانی برابر، فقط در سوسیالیسم برآورده می شود.

هر روز فضا تنگ تر می شود. امپریالیست ها و نوکرانشان، از ملایان تا بقیه، شروع به سوء استفاده از هوش مصنوعی به نفع سلطه خود کرده اند. دیگر درنگ جایز نیست. سرعت در اتحاد و عمل مهمترین گام در مبارزه است.

سعی در محو خود خواهی در خود، از اصول اولیه است

مراعات اکید ادب و فاصله، برای حفظ ارتباطات سیاسی یک باید است

پوزش خواهی و انتقاد از خود از اصول پایه ای مارکسیسم است

پرچم جهانی سوسیالیسم بدست زنان افراشته باد

womens-power.farah-notash.com

www.farah-notash.com

Women's Power

**دیدگاه قابل توجه اضافه شده به پایان مقاله**

سعی در محو خود خواهی در خود، از اصول اولیه است

مراعات اکید ادب و فاصله، برای حفظ ارتباطات سیاسی یک باید است

پوزش خواهی و انتقاد از خود از اصول پایه ای مارکسیسم است

پرچم جهانی سوسیالیسم بدست زنان افراشته باد

womens-power.farah-notash.com

www.farah-notash.com

Women's Power

**دیدگاه قابل توجه**

رفیق عزیز، مطلب دنیای "مردانه زور و امپریالیسم .." را خواندم

برداشت من از دوره های تاریخی به خصوص آنچه به نام "ماتریکال" یاد می شود این است که در آن زمان روابط بین زن و مرد، نه طبق "سالار" و "زیر دست" بلکه کاملاً برابر و همراه با تفاهم، محبت و صمیمانه و به تعبیر انگلس "هارمونی" بوده، از همین رو من خودم اصطلاح "ماتریکال" را "مادر تباری" ترجمه نموده ام نه "مادرسالاری". زیرا اعتقاد دارم که ترکیب "مادرسالاری" نه تنها با واقعیت زندگی آنروز زن و مرد و خانواده ها مطابقت نداشت بلکه

به نحوی تلاشی است از طرف فرهنگ مردسالار تا گناه و مسؤلیت بار ایجاد روابط حاکم و محکوم، سالار و تابع را

نیز به گردن زنان بیندازند.

شاد و تندرست باشید.

حسین موسوی / افغانستان

۱۸ جولای ۲۰۲۳